

آراء وحدت رویه



دیوان عدالت اداری

انصراف از بازنشستگی و افزایش فوق العاده شغل (۱)

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: آقای

موضوع: شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۷
و ۱۱ و ۱۵ دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه پانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۹/۷۳
موضوع شکایت آقای داود طاووسی بطرفیت ذیحسابی اداره کل
آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، دفتر حقوقی سازمان اموراداری
و استخدامی کشور بخواسته، استرداد وجوه کسر شده به مبلغ
۵۸۸۰۰۰ ریال از حقوق طی دادنامه شماره ۱۳۲۰-۷۳/۹/۱۳ چنین
رأی صادر نموده است. شکایت شاکی بدلائل زیر وارد بنظر میرسد:
۱- ابلاغ شاکی در تاریخ ۷۰/۹/۹ و بیاتاریخ اجرای ۷۰/۷/۱
و باستناد قانون تشویق معلمان بازنشسته و ادامه همکاری با آموزش و
پرورش مصوب ۶۸/۱۱/۲۹ مجلس شورای اسلامی و با موافقت مقام
عالی وزارت آموزش و پرورش و بخشنامه ۷۱۰/۹۳-۶۹/۹/۳
صادر گردیده و اقدام یک جانبه آموزش و پرورش در تغییر مفاد
مندرجات ابلاغ ۷۰/۹/۱۹ غیر قانونی بنظر میرسد.

۲- در زمان اصدار ابلاغ شاکی بخشنامه های شماره ۶۹/۱۲-
۷۰/۱۱/۱۵ و ۳۱/۱۰/۲۰-۷۱/۷/۶ سازمان اموراداری و استخدامی
کشور و نامه شماره ۵۶/۱۲۷۲۳-۷۲/۲/۲۳ اداره کل نظارت بر اجرای
بودجه وزارت امور اقتصادی و دارایی وجود نداشته تا با رعایت آن
نسبت به اصدار ابلاغ اقدام شود.

۳- ماده ۲۳ آئین نامه اجرایی قانون نظام هماهنگ پرداخت
حقوق نیز از اول فروردین ۷۱ قابل اجرا میباشد و آئین نامه یاد شده

که در مقام نحوه اجرای قانون نظام هماهنگ پرداخت حقوق کارکنان
دولت میباشد مقرر داشته که فوق العاده شغل کسانی که در ماههای
مختلف سال ۱۳۷۰ ابلاغ گرفته اند بر اساس فوق العاده شغل دریافتی
در تاریخ ۷۰/۱/۱ پرداخت خواهد شد و بدیهی است که در تاریخ
۷۰/۱/۱ قانون نظام هماهنگ پرداخت حقوق تصویب نگردیده بود
تا ابلاغ شاکی مغایر با قانون مذکور بوده باشد، ابلاغ صادره نیز تا زمان
لغو آن اعتبار قانونی دارد. با توجه به مراتب فوق الاشعار و مستنداً به
رأی وحدت رویه شماره ۸۰ مورخ ۷۳/۷/۱۶ هیأت عمومی دیوان
عدالت اداری و نظریه اینکه در قانون نظام هماهنگ پرداخت حقوق
کارکنان دولت و آئین نامه اجرایی آن نیز مقررات خاصی در خصوص
مورد پیش بینی نگردیده است، علیهذا حکم به ورود شکایت شاکی
صادر میگردد. ب - شعبه هفتم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۶۰۶/۷۲
موضوع شکایت آقای جلیل طاهری، بطرفیت ذیحساب اداره کل
آموزش و پرورش آذربایجان شرقی بخواسته کسر مبلغ ۵۸۸۰۰۰ ریال
فوق العاده شغل، باز پرداخت مبلغ مذکور بشرح دادنامه شماره ۱۰۷۴
- ۷۳/۱۱/۱۵ چنین رأی صادر نموده است. نظریه اینکه قانون تشویق
معلمان با ادامه همکاری مصوب ۶۸/۱۱/۲۹ مقرر داشته، معلمان
داوطلب ادامه خدمت پس از ۳۰ سال چنانچه از درخواست
بازنشستگی انصراف جویند از فوق العاده شغل ۳ برابر استفاده
مینمایند و ابلاغ شاکی در تاریخ ۷۰/۹/۱۹ صادر شده و مقرر گردیده که
از تاریخ ۷۰/۷/۱ از فوق العاده مذکور استفاده نمایند که شاکی نیز بابت
اشتغال خود از فوق العاده شغل مذکور طبق قانون تشویق معلمان
در نیمه دوم سال ۷۰ مبلغ ۵۸۸۰۰۰ ریال جمعاً دریافت نموده است و
ذیحساب اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی مبلغ مذکور از
مابه التفاوت قانون نظام هماهنگ سال ۷۰ کسر کرده و چون در ماده ۲۲
آئین نامه اجرایی قانون نظام هماهنگ مصوب ۷۰/۱۰/۲۲ هیأت
وزیران مقرر شده که فوق العاده شغل مستخدمین مشمول این

آئین نامه در سال ۷۰ به میزان مورد عمل در تاریخ ۷۰/۱/۱ می باشد و از تاریخ ۷۱/۱/۱ فوق العاده مذکور به میزان مقرر در جدول پیوستی آن و اصلاحات بعدی پرداخت خواهد شد لذا معلمان و دبیرانی که در تاریخ ۷۰/۱/۱ از فوق العاده شغلی سه برابر طبق قانون تشویق معلمان استفاده میکردند عملاً تا آخر سال ۷۰ نیز میتوانند و حق دارند از آن استفاده نمایند و مقررات قانون نظام هماهنگ و آئین نامه آن در واقع از تاریخ ۷۱/۱/۱ قابل اجراء خواهد شد. بنابراین کسر فوق العاده مذکور بابت نیمه دوم سال ۷۰ که بر مبنای مورد عمل در تاریخ ۷۰/۱/۱ به شاکای پرداخت گردیده، با استناد ماده ۲۲ آئین نامه اجرایی قانون نظام هماهنگ مصوب ۷۰/۱۰/۲۲ هیأت وزیران تا آخر سال ۷۰ صحیح نبوده و شکایت شاکای وارد تشخیص و حکم بر استرداد فوق العاده مذکور که از حقوق نامبرده کسر و بازپرداخت گردیده است، به نامبرده تا آخر سال ۷۰ صادر میگردد.

ج- شعبه هفتم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۶۰۲/۷۲ موضوع شکایت آقای علی اکبر تبریزی نژاد بطرفیت ذیحساب اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، بخواسته کسر مبلغ ۵۸۸۰۰۰ ریال فوق العاده شغل و بازپرداخت مبلغ مذکور طی دادنامه شماره ۱۰۷۶ - ۷۳/۱۱/۱۵ حکم بر استرداد فوق العاده مذکور و بازپرداخت آن صادر نموده است.

د- شعبه یازدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۳۰۶/۷۲ موضوع شکایت آقای محمد تقی عرب نژاد بطرفیت ذیحسابی اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی بخواسته استرداد وجوه کسر شده از فوق العاده شغل بشرح دادنامه شماره ۷۸ - ۷۴/۲/۶ چنین رأی صادر نموده است، شاکای در مهرماه ۱۳۷۰ به افتخار بازنشستگی نائل گردیده و از مهرماه ۱۳۷۰ بجای بازنشستگی شروع بکار و مشغول

ادامه خدمت گردیده و پرداخت سه برابر فوق العاده شغل منظور شاکای مستند به قانون تشویق معلمان بازنشسته به همکاری به افرادی تعلق میگیرد که قبل از ۱۳۷۰/۱/۱ از طرف وزارت آموزش و پرورش دعوت به همکاری شده باشند و با وصف مذکور و بیش از مبلغ دریافتی (یک برابر فوق العاده شغل) شاکای مستحق دریافت نمیشد. چون باتصویب قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مقررات و نظامهای متفرقه پرداخت در دستگاههای دولتی نسخ گردیده است، لذا بنا به مراتب مذکور و اینکه پرداخت سه برابر فوق العاده شغل مخالف قانون حاکم تشخیص میگردد، بنابراین حکم به رد شکایت صادر میگردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست آیتا. موسوی تبریزی و با حضور روسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت بصدور رأی مینماید.

رأی هیأت عمومی

نظریه حکم خاص مقرر در ماده واحده قانون تشویق معلمان بازنشسته با ادامه همکاری با وزارت آموزش و پرورش مصوب ۶۸/۱۱/۲۹ مبنی بر پرداخت فوق العاده شغل مشغولان طرح طبقه بندی مشاغل معلمان کشور به میزان سه برابر در صورت انصراف از بازنشستگی و ادامه خدمت بر اساس شرایط مذکور در قانون فوق الذکر و اینکه شاکای از تاریخ ۷۰/۷/۱ مشمول قانون مزبور شناخته شده است، بنابراین آراء شماره ۱۰۷۶ و ۱۰۷۶ مورخ ۷۳/۱۱/۱۵ شعبه هفتم و رأی شماره ۱۳۲۰ مورخ ۷۳/۹/۱۳ شعبه پانزدهم دیوان مشعر بر استحقاق شاکای به استفاده از افزایش فوق العاده شغل موافق اصول و موازین قانونی شناخته میشود. این رأی طبق قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوطه در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سید ابوالفضل موسوی تبریزی

تدبیر یک قاضی

شخصی نزد ابوالعباس روبانی که قاضی القضاات طبرستان بود از شخصی به صد دینار شکایت برد، قاضی از وی گونه خواست، گفت ندارم. قاضی گفت: پس طرف تو را سوگند می دهم مدعی گفت: سوگند بده که سوگند به دورغ می خورد و باکی ندارد. قاضی گفت: چاره ای نیست مدعی زار بگریست و از قاضی استعفاء جست قاضی تفصیل ماجرا پرسید، مدعی گفت: این شخص دوست قدیمی من است و چون عاقلی بی قرار دختری است و پول ندانست من به او صد دینار قرض دادم تا ازدواج کند و پس از یکماه پول را بدهد. قاضی گفت: کجا نشسته بودی. گفت: زیر درخت. قاضی گفت: چون زیر درختی بودی چرا گفتی گواهی ندارم؟ مدعی را گفت که این مهر من زیر و درخت را بگری که این مهر قاضی است. من گوید که بیا و گواهی که بر تست بده ا قاضی به حکم های دیگر مشغول شد. ناگاه در میان حکمی که می کرد، روی به سوی آن مرد کرد و گفت: فلان آنجا رسیده باشد گفت: نی هنوز ای قاضی و قاضی به حکم مشغول شد. قاضی گفت اگر ایسن زر از وی در زیر آن درخت نگرفته ای، من که از تو پرسیدم که این مرد به درخت رسیده باشد گفتی نی هنوز. چرا نگفتی که کدام درخت و من هیچ درخت نمی شناسم؟ پس آن مرد را الزام کرد و زر بستاند و به صاحبش داد. (قابوستنامه)

اخراج از خدمت با اخذ نظریه ثبت شورای اسلامی کار^(۲)

شورای اسلامی کار بمنظور اخراج کارگر از خدمت دادنامه شماره ۲۸۸ مورخ ۷۳/۵/۳۱ شعبه هفتم دیوان موافق اصول وموازن قانونی شناخته میشود. این رأی مطابق ذیل ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازمالاتباع است.

رئیس هیات عمومی دیوان عدالت اداری

سید ابوالفضل موسوی تبریزی

تعیین تکلیف اراضی موضوع ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع، بر عهده کمیسیون ماده مزبور است.^(۳)

مرجع رسیدگی: هیات عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۴

و ۷ دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه چهارم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۵۰/۷۱ موضوع شکایت آقای حمید آموزگار بطرفیت اداره کار و امور اجتماعی به شهر بخواسته اعتراض به رأی هیات حل اختلاف مبنی بزاخراج بشرح دادنامه شماره ۱۹۵۸-۷۱/۱۲/۲۳ چنین رأی صادر نموده است، محتویات پرونده حاکیست که هیات حل اختلاف اداره کار و خدمات اشتغال شهرستان به شهر به موجب رأی مورخ ۷۱/۸/۲۴ با بررسی سوابق واستماع اظهارات طرفین موضوع شکایت عمل کارگر شاکی را از مصادیق تقصیر شناخته واخراج کارگر راموجه تشخیص وباتفاق آراء و مستنداً بماده ۲۷ قانون کار کار فرما را بابت ۱۱ سال و ۲ ماه سابقه کار وی پپرداخت مبلغ ۸۶۹۹۹۵ ریال بابت سنوات خدمت در حق کارگر محکوم نموده است. باتوجه به محتویات پرونده ایراد واشکال قانونی که خدشه بر رأی مورد شکایت وارد نماید مشهود نگردد، لذا شکایت موجه نبوده وبرد آن اظهار نظر میگردد.

ب - شعبه هفتم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۳۵۷/۷۲ موضوع شکایت آقای اکبر صبحی رستمی بطرفیت اداره کار و خدمات اشتغال شهرستان به شهر بخواسته نقض رأی مورخ ۷۱/۸/۲۴ هیات حل اختلاف اداره کار به شهر بشرح دادنامه شماره ۴۸۸-۷۴/۵/۳۱ چنین رأی صادر نموده است، باتوجه بماده ۲۷ قانون کار مستند اعتراض کارگر که اعلام داشته هرگاه کارگر در انجام وظایف محوله تصور ورزد و یا آئین نامه های انضباطی را پس از تذکرات کتبی نقض نماید، کار فرما حق دارد در صورت اعلام مثبت شورای اسلامی کار علاوه بر مطالبات و حقوق معوقه به نسبت هر سال سابقه کار معادل یک ماه آخرین حقوق کارگر رابعنوان (حق سنوات) به وی پرداخت و قرارداد کار را فسخ نماید و چون شورای اسلامی کار در مورد شاکی صریحاً اعلام عامل اصلی بودن شاکی را ننموده است لذا این نظر رأی هیات حل اختلاف مخدوش تشخیص و نقض میگردد تامجدداً بموضوع رسیدگی شود.

هیات عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست آیتا. موسوی تبریزی و با حضور روسا شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره باتفاق آراء بشرح آتی مبادرت بصدور رأی نمائید.

رای هیات عمومی

به صراحت ماده ۲۷ قانون کار، در خصوص لزوم اخذ نظریه مثبت

مرجع رسیدگی: هیات عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۱۳ و ۱۴ دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه چهاردهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۰۵۳/۶۵ موضوع شکایت آقایان مظفر عرفانی و علی سرودیان به طرفیت اداره سرچنگلداری شهرستان میاندوآب به خواسته ابطال والغاء رأی کمیسیون ماده ۵۶ قانون حفاظت مورخ ۶۵/۲/۲۹ بشرح دادنامه شماره ۷۷۱-۶۷/۸/۱۹-۷۷۱ مستنداً به تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع پرونده را از موجودی کسرو به اداره کل منابع طبیعی و کشاورزی استان آذربایجانغربی ارجاع تابه هیات متشکله در شهرستان میاندوآب موضوع ماده واحده فوق الذکر اخیر التصویب ارسال دارند.

ب - شعبه چهاردهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۳۳۴/۷۰ موضوع شکایت آقای مظفر عرفانی و علی سرودیان بطرفیت سرچنگلداری شهرستان میاندوآب بخواسته ابطال رأی هیات رسیدگی موضوع واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت از جنگلها و مراتع بشرح دادنامه شماره ۸۶-۷۱/۲/۱۴ چنین رأی صادر نموده است، باتوجه به تبصره های ۲ و ۵ ذیل ماده واحده قانون مراتع وباتوجه به رأی وحدت رویه اکثریت هیات عمومی دیوان عدالت اداری دایر بر اینکه رأی صادره از ناحیه قاضی هیات مذکور قابل شکایت در دیوان نمیشد و نظربه اینکه شکایت شکات نسبت به رأی مورخ ۶۵/۲/۲۹ کمیسیون بود وباتوجه به مواد ۲۲ و ۲۹ قانون وآیین دادرسی دیوان عدالت اداری وباتوجه بمواد ۲۱ و ۲۴ قانون وآئین دادرسی دیوان وباتوجه بماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری وموارد صلاحیت و حدود اختیارات دیوان، تصمیم هیات رسیدگی بموضوع ماده واحده مورخ ۷۰/۱۱/۲۰ که با شرکت پنج نفر اتخاذ گردیده دایر بر اینکه رسیدگی و اعتراض خواهان در این خصوص به لحاظ وقوع ملک مورد ادعای

پایه‌های استقامت مملکت

بسنظر نویسنده راجحه الصدور: استقامت مملکت به عکس مکن بود چنانکه تخت به چهار پایه قائم شود.

اول قاضی عادل که در امضای احکام شرع رعایت جانب حق کند و به مذمت خلق مایل نباشد و ستایش خواص و نکوهش عوام، او را دامن گیر نبود.

دوم: صاحب دیوانی که داد مظلوم از ظلم و انصاف ضعیف از قوی بستاند.

سوم: دستوری ناصح که قانون بیت‌المال از حقوق خراج و خزیه‌الیهود به وجه استقصا بستاند و ظلم روا ندارد.

چهارم: وکلای و حسبان که اخبار نادرست و راست آنها کنند و از صدق نگذرند و تعدی کسی را دست دهند و میسر و ممکن گردند که یا دینداری بود که از عذاب بترسد یا کسی که از عار استدبشیدن یا عاقلی که از عواقب بپرهیزد.

هارون و مأمون

مأمون عباسی در حضور پدرش هارون الرشید شسوی نندی کرده هارون با حالت غضب به او گفت: **یا بن الزینیه!** (یعنی ای حرام‌زاده). مأمون بی‌درنگ این آیه قرآن را قرائت کرد: **«الزینیه لیتکج لنا زینیه او مشرکیه»** یعنی حرام‌زاده را به اختیار نمی‌آورد مگر مرد زنا کار یا مشرک (سوره نور ۲).

نمونه‌هایی از داوریهای

حضرت امیر(ع)

مسردی اعسرایی به حضرت محمد(ص) گفت: این شتر را من خری؟ حضرت فرمود: به چند می‌فروشی؟ گفت: به دوست درهم. حضرت فرمود: بیش از این مبلغ می‌آورد.

وی در داخل محدوده شهر میاندواب از صلاحیت هیأت رسیدگی خارج... باتوجه به بقاء صلاحیت دیوان عدالت اداری در این مورد هیأت بانفی صلاحیت از خود در موضوع معنونه (بلحاظ وقوع ملک در محدوده شهر میاندواب) قرار عدم صلاحیت خود را به صلاحیت شعبه چهاردهم دیوان عدالت اداری صادر و اعلام میدارد. بدیهی است بلحاظ حدوث اختلاف دستور ارسال پرونده راجعت رفع اختلاف بمرجع حل اختلاف صادر خواهند فرمود. موافق بامقررات قانون و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و ماده واحده فوق‌الاشعار و قانون آیین دادرسی مدنی در باب اختلاف در صلاحیت نبوده و مقررات دفتر پرونده از موجودی این شعبه کسر و پیرو سابقه به مرجع مذکور اعاده تا وفق مقررات اقدام نمایند.

ج- شعبه سیزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۰۵۴/۷۲ موضوع شکایت آقای جمشید جوان به طرفیت اداره جنگلبانی میاندواب به خواسته ابطال رأی کمیسیون موضوع ماده ۵۶ قانون حفاظت بشرح دادنامه شماره ۳۴۸-۷۳/۶/۲۹ چنین رأی صادر نموده است، اولاً "باتوجه به مترآز زمین ثانیاً طبق گزارشات واصله ضمیمه پرونده امر زمین موضوع شکایت مشجر و داخل محدوده شهری اعلام شده است. ثالثاً بدلیل آنکه زمین داخل در محدوده شهری میباشد از شمول مقررات ماده ۵۶ که بصورت اقلیت و اکثریت اصدار یافته که استدلال اقلیت مبنی بر اینکه کمیسیون ماده ۵۶ حق دخالت در اراضی داخل در محدوده شهری ندارد، مقرون به واقعیت است. لذا باتوجه به دلایل اربعه و بدلیل آنکه ملک داخل در محدوده شهری میاندواب و مشجر می‌باشد حکم به ورود شکایت صادر و اعلام میگردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق بریاست حجة الاسلام والمسلمین اسماعیل فردوسی پور و باحضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت به صدور رأی مینماید.

رای هیأت عمومی

به حکم صریح تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع، دیوان عدالت اداری مکلف است کلیه پرونده‌های موجود در مورد ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع کشور و اصلاحیه‌های بعدی آنها که مختومه نشده است فارغ از محل وقوع آنها اعم از داخل یا خارج از محدوده شهرها راجعت رسیدگی به کمیسیون موضوع قانون فوق‌الذکر ارسال دارند. و مطابق تبصره ۵ ماده واحده قانون مذکور کلیه مقررات مغایر از جمله مقررات مربوط به صلاحیت دیوان عدالت اداری در باب رسیدگی به این قبیل اعتراضات نسخ شده و تنها مرجع صالح برای رسیدگی به مطلق اعتراضات با اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع هیأت مزبور شناخته شده است. بنابه جهات فوق‌الذکر دادنامه شماره ۷۷۱ مورخ ۶۷/۸/۱۹ شعبه چهاردهم دیوان مطابق بامقررات تشخیص داده میشود. این رأی وفق ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاجتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

تکلیف موقوفه‌های خاص و عام

در پرداخت مالیات، مخالف شرع است. (۲)

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقایان ... و ...

موضوع شکایت و خواسته: ابطال رأی شماره ۳۰/۴/۱۴۴۳۷-۷۱/۱۲/۱۹ هیأت عمومی

شورای عالی مالیاتی.

مقدمه: شکات طی شکایت نامه تقدیمی اعلام داشته اند، رأی شماره ۳۰/۴/۱۴۴۳۷-۷۱/۱۲/۱۹

هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی که موقوفات خاص رادر عداد ملک طلق تلقی نموده و با تعمیم

فوق العاده شغل کارمندان شرکت ملی فولاد ایران مشمول آئین نامه به مدت ۴۵ ماه قابل محاسبه است. (۵)

خارج از مرکز برای آندسته از کارکنانی که از ۷۱/۱۰/۱ لغایت ۷۳/۱۰/۱ کسور مذکور را پرداخت نموده اند طبق تبصره ۲ ماده ۱۲-۱۳ به نسبت ایام مزبور محاسبه و در مستمری تأثیر داده شود. باتوجه به مراتب فوق و ملاحظه مستندات شاکی و نظریه اینکه تقاضای بازنشستگی شاکی بشرط اجرای مصوبات فوق الاشعار بوده و تقاضای مذکور مورد موافقت قرار گرفته و نظریه اینکه منظور نمودن مستمری ناشی از کسور فوق العاده خارج از مرکز در مورد کسانی که از ۷۰/۱۰/۱ لغایت ۷۳/۱۰/۱ نسبت به پرداخت کسور مذکور اقدام نموده اند مورد تصویب و پذیرش شرکت مشتکی عنه بوده و این امر شامل حال شاکی نیز میگردد. علیهذا حکم به ورود شکایت صادر و اعلام میشود.

ب- شعبه چهاردهم در رسیدگی به پرونده های کلاسه ۴۸۷/۷۴، ۴۹۰/۷۴، ۴۹۱/۷۴ و ۴۹۲/۷۴ و ۴۹۳/۷۴ و ۴۹۴/۷۴ موضوع شکایت آقایان شهاب الدین شرر تیمورباش، مقصود فلاح داراندامش، رضا خسروی، محمد رضا جاوید، علیرضا عامری، علی غلامی و آقای قنبر علی زمانی بطرفیت شرکت ملی فولاد ایران (امور بازنشستگی) بخواسته عدم پرداخت و تأثیر فوق العاده اشتغال خارج از مرکز در مستمری بازنشستگی بشرح دادنامه های شماره ۲۰۳۷ و ۲۰۳۹ الی ۲۰۴۴ - ۷۵/۱۲/۲۱ این چنین رای صادر نموده است، باتوجه به لایحه جوابیه مورخ ۷۴/۷/۱۷ مدیر امور بازنشستگی شرکت ملی فولاد ایران ذابراینکه با استناد مفاد آئین نامه استخدامی مورد عمل این شرکت از تاریخ ۷۳/۱۰/۱ کسور کسور بازنشستگی از فوق العاده خارج از مرکز مجاز نمیشود و از تاریخ ۷۰/۱/۱ تا ۷۳/۱۰/۱ برای مستخدمانی که کسور بازنشستگی در ایام مذکور از فوق العاده خارج از مرکز آنان

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: شرکت

موضوع شکایت: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۱۴ و ۱۶ دیوان عدالت اداری. مقدمه: الف - شعبه شانزدهم در رسیدگی پیرونده کلاسه ۵۲۳/۷۵ موضوع شکایت آقای داود افشار نادری بطرفیت شرکت ملی فولاد ایران - امور بازنشستگی بخواسته پرداخت حقوق بازنشستگی با احتساب مبلغ خارج از مرکز باتوجه به مصوبات ۳۱۹-۶۹/۱۱/۲۱ و ۴۲۶-۷۰/۳/۱۱ شرکت ملی فولاد ایران طی دادنامه شماره ۹۲۵-۷۵/۷/۱۸ چنین رای صادر نموده است، شکایت شاکی مبنی بر این است که شرکت ملی فولاد ایران بمنظور تقلیل نیروی انسانی با ابلاغ مصوبات ۴۲۶-۷۰/۳/۱۱ - ۶۹/۱۱/۲۱ و اضافه نمودن ۵ سال سابقه به خدمت متقاضیان بازنشستگی و پرداخت مبلغی بعنوان پاداش بازنشستگی مقرر نموده که کسور بازنشستگی از فوق العاده خارج از مرکز کارکنان کسر گردد و از ابتدای سال ۷۰ نیز به مأخذ ۷٪ از کارکنان و ۱۴٪ سهم شرکت فولاد اجراء میگردد تا به کسر کسورات خارج از مرکز حقوق ایام بازنشستگی کارکنان با احتساب مبلغ خارج از مرکز محاسبه و پرداخت شود و بر همین اساس نیز تقاضای بازنشستگی نموده است. اما پس از مدتی و بعد از بازنشستگی اعلام کرده اند که شورای عالی شرکت ملی فولاد ایران با قبول خارج از مرکز بعنوان مستمری موافقت نکرده است و مبلغ خارج از مرکز بازنشستگان پرداخت نخواهد شد. باتوجه به اینکه بشرط اجرای مصوبات مذکور تقاضای بازنشستگی نموده و کسورات مربوطه نیز از حقوق او کسر گردیده است تقاضای احقاق حق دارد. مشتکی عنه پاسخ داده مقرر گردیده است که مستمری متعلقه ناشی از کسور بازنشستگی از فوق العاده

ماده ۳ قانون مالیاتهای مستقیم (قانون مالیاتهای سالانه املاک) به موقوفه خاص بوضع مالیات پرداخته خلاف شرع میباشد لذا ابطال آن مورد تقاضاست.

دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای شاکی مبنی بر خلاف شرع بودن مورد شکایت طی نامه شماره ۷۶/۲۱/۱۰۱۷ - ۷۶/۴/۲۴ اعلام داشته اند، موضوع ادعای خلاف شرع بودن رأی شماره ۳۰/۴/۱۴۴۳۷ - ۷۱/۱۲/۱۹ هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی در جلسه مورخ ۷۶/۴/۲۴ فقهای شورای نگهبان مطرح و نظر آقایان فقهاء بدین شرح اعلام میگردد: رأی شماره ۳۰/۴/۱۴۴۳۷ - ۷۱/۱۲/۱۹ هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی از آنجا که تصریح دارد وقف خاص مانند وقف عام نیست، خلاف موازین شرع میباشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق بریاست آیه ۱. موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اتفاق آراء بشرح آتی مبادرت بصدور رای مینماید.

رای هیأت عمومی

چگونگی رای شماره ۳۰/۴/۱۴۴۳۷ - ۷۱/۱۲/۱۹ هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی که در باب معافیت مالیاتی سالانه املاک بین موقوفه خاص و عام قائل به تفاوت شده و موقوفه خاص را مشمول پرداخت مالیات مذکور اعلام داشته بشرح نظریه شماره ۷۶/۲۱/۱۰۱۷ مورخ ۷۶/۴/۲۴ فقهای محترم شورای نگهبان مخالف احکام شرع شناخته شده است. لذا به استناد قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری نظر شورای عالی مالیاتی ابطال میگردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سید ابوالفضل موسوی تبریزی

کسرگردیده است نسبت به ایام مزبور در مستمری آنان تأثیر داده شده است، لیکن درخواست شاکی بامفاد آئین نامه استخدامی و دستورالعملهای این شرکت تطبیق ندارد. در ارتباط باشکایت شاکی از ناحیه طرف شکایت تخلفی از قوانین و مقررات و یا مخالفت با آنها که موجب تضییع حق شاکی شده باشد مشهود نیست. بنابراین شکایت مطروحه غیر وارد تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام میگردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست آیه ا. موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از استماع توضیحات نمایندگان شرکت ملی فولاد ایران و بحث و بررسی انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت بصدور رای مینماید.

رای هیأت عمومی

نظریه اینکه نحوه احتساب فوق العاده اشتغال خارج از مرکز کارمندان مشمول آئین نامه استخدامی شرکت ملی فولاد ایران بشرح تبصره ۲ ماده ۱۳-۱۲ آئین نامه مذکور منوط به ضوابط دستورالعمل مصوب شرکت گردیده است و طبق آئین نامه و دستورالعمل مصوب شرکت فوق العاده مذکور بمدت ۲۵ ماه از جمع سوابق خدمت کارمند مشمول آئین نامه قابل محاسبه اعلام شده است، بنابراین دادنامه شماره ۲۰۳۷ و ۲۰۳۹ الی ۲۰۴۲ مورخ ۷۵/۱۲/۲۱ شعبه چهاردهم دیوان که برطبق آئین نامه مزبور صادر گردیده است مطابق با قانون تشخیص میشود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سید ابوالفضل موسوی تبریزی

اعتبار مقررات ثبتي و رأي هیئت

تجدید نظر به فسخ دادنامه
ورد شکایت در این مورد. (۶)

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.
شاکی: آقای ...
موضوع شکایت و خواسته: اعلام

تجدید نظر دیوان عدالت اداری

مقدمه: الف - هیأت تجدید نظر در رسیدگی ب پرونده کلاسه ت ۱۲/۷۴/۲ موضوع تقاضای تجدید نظر اداره کل دفتر حقوقی سازمان ثبت اسناد نسبت به دادنامه شماره ۷۷۲ مورخ ۷۳/۱۰/۲۹ شعبه هشتم دیوان در پرونده کلاسه ۱۰۴۰/۷۲ مربوط به آقای ... بشرح دادنامه شماره ۲۱۸-۷۵/۶/۲۷ دادنامه بدوی را عیناً تأیید نموده است.

ب - هیأت تجدید نظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ت ۱۹/۷۴/۲ موضوع تقاضای تجدید نظر اداره کل دفتر حقوقی سازمان ثبت اسناد نسبت به دادنامه های شماره ۳۴۵ مورخ ۷۴/۵/۲۸ صادره از شعبه هشتم دیوان در پرونده های کلاسه ۱۰۸۲/۷۲ به طرفیت آقای ... بشرح دادنامه شماره ۸۷۵ - ۱۷۵/۱۲/۲۱ اعتراض اداره کل دفتر حقوقی سازمان ثبت اسناد به دادنامه شماره ۳۴۵ - ۷۴/۵/۲۸ شعبه هشتم را وارد تشخیص و با فسخ دادنامه بدوی شکایت را رد نموده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست آیه ا. موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت بصدور رای مینماید.

رای هیأت عمومی

باتوجه به شق (۳) از بند (د) ماده ۲۹ آئین نامه اصلاحی قانون دفاتر اسناد رسمی در خصوص نفوذ و اعتبار مقررات ثبتی و لزوم تبعیت از آنها و اینکه امضاء سردفتر و دفتریار همزمان با تنظیم اسناد رسمی مبین حضور و مراقبت اشخاص مذکور در تنظیم اسناد رسمی است، بنابراین دادنامه شماره ۸۷۵۰ - ۷۵/۱۲/۲۱ هیأت تجدید نظر مبنی بر فسخ دادنامه شماره ۳۴۵ - ۷۴/۵/۲۸ صادره از شعبه هشتم دیوان و صدور رای به رد شکایت شاکی موافق اصول و موازین قانونی شناخته میشود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سید ابوالفضل موسوی تبریزی

سرانجام به ۴۰۰ درهم اعرابی خرید و وجه آن را پرداخت. آن گاه اعرابی مبادر شتر را گرفت و رفت و از تسلیم شتر امتناع ورزید و گفت نایقه از آن من است، اگر تو را شاهدی هست اعلام کن در این اثنا ابوبکر رسید. حضرت ماجرا را با او در میان گذاشت. ابوبکر گفت: اعرابی بیله من طلبید و بر شماست که اقسامه بیله کنید. ضمن این گفتگو عمر بن خطاب پیدا شد. طرفین داوری را به عمر واگذاشتند. عمر اظهارات طرفین را شنید و به حضرت گفت: اعرابی قسم من خورد که حق خود را استیفا نکرده ام. در بین گفتگو حضرت علی (ع) رسید و با موافقت طرفین بین اعرابی و حضرت به عنوان قاضی انتخاب شد. علی فرمود: «ای اعرابی به رسول خدا چه ادعا داری؟» گفت: بیای نایقه ای که فروخته ام مطالبه من کنم. امیرالمؤمنین عرض کرد: «یا رسول الله شما چه میگوید؟» فرمود: «من تمام بیای نایقه را پرداخته ام. امیرالمؤمنین گفت: ای اعرابی آیا رسول خدا راست گفت که وجه من نایقه را به تو پرداخته است؟ اعرابی گفت: هیچ چیز به من نپرداخته است. علی (ع) شمشیر خود را از نیام کشید و به یک ضربت سر اعرابی را براند. محمد (ص) فرمود: «با علی چرا چنین کردی؟» عرض کرد: یا رسول الله ما شما را با اوامر و نهی خداوند متعال و بر امر جنت و ناز و نواب و عقاب و وحی متعال تصدیق می کنیم چگونه می شود که در بیای نایقه این اعرابی ترا تصدیق نکنیم. من اعرابی را از این جهت کفتم که شما را تکذیب کرد. رسول فرمود: «راست گفتی و حکم به حق کردی ولی دیگر به مثل این کار مکن. پس حضرت روی به ابوبکر و عمر کرد و فرمود: «حکم خدا این بود که علی کرد.»

دادنامه شماره ۵۱ مورخه ۷۶/۱/۲۴ شعبه دیوان مطابق مقررات است (۷)

ابطال اسناد فروش رقیبات آب و اراضی
موقوفه.

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته اند، تردیدی نیست که غرض قانونگذار از تصویب تبصره های ۱ و ۴ قانون فوق الاشعار که مقرر میدارد، تبصره ۱۱ پس از ابطال سند مالکیت در مواردی که موقوفه قابل اجاره باشد و متصرف تقاضای اجاره کند بسار عایت مصلحت وقف و حقوق مکتسبه متصرف قرارداد اجاره بامتصرف تنظیم خواهد شد و مقررات تبصره ۴ قانون مزبور به اینکه در صورتی که متصرف یا زارع صاحب نسق در مواعیدی که بوسیله واحدهای اوقافی تعیین وبه وسائل مقتضی در محل آگهی میشود از تنظیم سند اجاره باموقوفه خودداری نمایند، از طریق مراجع قضائی از آنها خلع ید شده وموقوفه به اشخاص داوطلب به اجاره داده خواهد شد... جزاین نبوده ونیست که وقتی سند مالکیت «متصرف» ابطال گردید نامبرده برای جبران زحمتی که درراه عمران ملک کشیده ومخارجی که برای بهسازی آن کرده ودر نتیجه «حقوق مکتسبه» در ملک مزبور پیدانموده، «اولویت» در اجاره کردن موقوفه مورد بحث ازاداره اوقاف داشته باشد تا قسمتی از زیانهای وارده به او جبران شود و حال آنکه تبصره ۴ ماده ۶ آئین نامه قانون مزبور باین عبارت، تبصره ۴ در صورتیکه موقوفات مزروعی این آئین نامه در محدوده خدمات شهری قرار گرفته و کاربری زراعی آن تغییر کرده یا قابل تغییر باشد برابر ماده ۱۵ آئین نامه اجرایی قانون تشکیلات واختیارات سازمان اوقاف موضوع تصویب نامه شماره ۹۵۲۷۰-۶۵/۲/۲۲ و پساتأیید مقامات ذیصلاح وتأمین وپرداخت حقوق مکتسب زارعان صاحب نسق برای امورشاختمانی مجازبه اجاره واگذار خواهد شد...»

به جهات زیرمخالف تبصره های ۱ و ۴ قانون ابطال آب و اراضی موقوفه است: ۱- در این تبصره از آئین نامه حق اولویت بمتصرف یا زارع صاحب نسق در اجاره ملک موقوفه بکلی نادیده گرفته شده، چه

کلاس ۳۱۴/۷۳ مطروحه در این شعبه بن ویژه مخصوص آن عده از مامورین انتظامی است که دارای دفترچه اتکاباشند ومامورین انتظامی دادگستری فاقد این دفترچه بوده ومضافاً اینکه اعتباری برای این امر در نظر گرفته نشده بنابراین شکایت غیرموجه تشخیص وحکم به رد آن صادر و اعلام میگردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست آیه.ا. موسوی تبریزی وباحضور رؤسای شعب دیوان تشکیل وپس از بحث وبررسی وانجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت بصدور رأی مینماید.

رای هیأت عمومی

نظریه اینکه کمک غیرنقدی مورد مطالبه از مصادیق تبصره ۵۶ قانون بودجه سال ۱۳۶۳ کل کشور نبوده ودر اختیار وزارت دادگستری قرار نداشتنه وان وزارتخانه قانوناً ملزم به تأمین وپرداخت کمک مزبور نبوده است، لذا دادنامه شماره ۵۱ مورخ ۷۶/۱/۲۴ شعبه ۱۲ دیوان مطابق بمقررات تشخیص میگردد. این رای مطابق ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان وسایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سید ابوالفضل موسوی تبریزی

ابطال رأی خلاف قانون در مورد وقف (۸)

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان
عدالت اداری

شاکی: آقای

موضوع شکایت و خواسته: ابطال
تبصره ۴ از ماده ۶ آئین نامه اجرایی قانون

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان
عدالت اداری

شاکی: معاون اداره کل امور مالی
دادگستری جمهوری اسلامی ایران.

موضوع شکات و خواسته: اعلام
تعارض آراء صادره از شعب ۸ و ۱۲ دیوان
عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه هشتم در رسیدگی
پیرونده کلاس ۱۱۹۰/۷۳ موضوع شکات
آقای محسن کریمی مهرآبادی بطرفیت اداره
امور مالی دادگستری جمهوری اسلامی
ایران، بخواسته مطالبه بن ویژه هدایای
رهبری از تاریخ تصویب تاتاریخ
صدور حکم بشرح دادنامه شماره ۱۰۹۱ -
۷۵/۱۰/۲۸ چنین رای صادر نموده است،
نظریه تبصره ۵۶ قانون بودجه سال ۶۳ کل
کشور ونامه ۷۵/۱۰/۳۷۷۵ - ۸/۷/۰۱/۷۵/۳
فرماندهی نیروی انتظامی استان مرکزی در
رابطه با درخواست شاکی واینکه
علی القاعده پرداخت این قبیل کمکهای
غیرنقدی بعهده دستگاه محل خدمتی است
که مستخدم حقوق ومزایای خود رادر یافت
مینماید وباعنایت به اینکه فقد اعتبار ویا عدم
در یافت دفترچه خواربار سالب حقوق
قانونی مستخدم تلقی نمیشود، حکم به وارد
بودن شکایت واستحقاق شاکی بدر یافت آن
بار عایت سایر مقررات قانونی صادر میشود.

ب- شعبه دوازدهم در رسیدگی به پرونده
کلاس ۳۰۹/۷۳ موضوع شکایت آقای
ابراهیم اعظمی مقدم بطرفیت وزارت
دادگستری بخواسته دریافت بن رهبری
بشرح دادنامه شماره ۵۱-۷۶/۱/۲۴ این
چنین رای صادر نموده است، در خصوص
شکایت شاکی بخواسته مطالبه بن ویژه سال
۶۹ نظریه اینکه حسب اعلام اداره کل
امور مالی دادگستری جمهوری اسلامی
وتوضیحات نماینده اداره مذکور در پرونده

در تبصره های او ۴ قانون ابطال اسناد موقوفه حق اولویت اجاره موقوفه صرف نظر از نوع کاربری ملک برای متصرف یا زارع صاحب نسق شناخته شده است، در حالیکه در تبصره آئین نامه مورد درخواست ابطال در صورتی که کاربری زراعی موقوفه تغییر کرده و یا حتی قابل تغییر باشد، این حق اولویت سلب گردیده است و این مسلماً برخلاف صراحت ماده و نظر و مقصود قانونگذار و هدف اصلی قانون است که در بالا تشریح گردید. ۲- بر مراتب بالا اضافه میشود که طبق مقررات تبصره آئین نامه مورد درخواست ابطال علاوه بر سلب حق اولویت اجاره به بهانه تغییر کاربری زراعی اداره اوقاف مکلف شده است حقوق مکتسب زارعان صاحب نسق را پرداخت نماید و در این تبصره ابداً ذکری از حقوق مکتسب متصرف (مالک قبلی) نشده است زیرا هر یک به نوبه خود حقوقی دارند و نباید مسلماً پس از ابطال اسناد مالکیت طبق قانون ابطال اسناد آب و اراضی موقوفه حقوق هر دو محفوظ بماند، کمالاتکه در تبصره ۴ قانون مزبور به متصرف و زارع صاحب نسق هر دو اشاره شده، بنابراین سلب حق مکتسب متصرف در این تبصره از آیین نامه هم دلیل قاطع دیگری است بر اینکه تبصره مورد بحث آئین نامه مخالف مقررات قانون مربوط تنظیم گردیده است، بنابه مراتب ابطال تبصره ۴ از ماده ۶ آئین نامه فوق الاشعار به لحاظ مخالفت آن با قانون مربوطه استدعا میشود مدیرکل حقوقی ریاست جمهوری طی نامه شماره ۵۷۴۸۷/۴۰۰۱ - ۷۶/۶/۲۶ در پاسخ به شکایت مذکور مبادرت به ارسال تصویر نامه شماره ۴۱۰/۶۲۴ - ۷۶/۳/۲۰ نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه نموده است. در نامه مزبور آمده است: ۱- حکم پیش بینی شده در تبصره ۴ ماده ۶ آئین نامه در واقع تأیید مجدد مقرراتی است که در ماده ۱۵ آئین نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه در تاریخ ۶۵/۲/۱۰ قبلاً به تصویب رسیده و مبتنی بر ماده ۱۷ قانون مصوب ۶۳ مجلس شورای اسلامی میباشد. ۲- باتوجه به توسعه

شهرها و واقع شدن برخی از دهات و مزارع در محدوده شهرها به حکم الزام و برای پاسخگویی به وضعیت جدید ایجاد شده در تبصره ۴ ماده ۶ آیین نامه نسبت به اینگونه موارد نیز تعیین تکلیف شده است. بنابراین موارد پیش بینی شده در تبصره مرقوم ضرورت داشته و دارد و باینکه تصویب هیأت محترم وزیران ناچار در اجرای صحیح قانون میتواند از اختیار پیش بینی شده در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی استفاده کند. ۳- برخلاف آنچه شاکسی در دادخواست خود مدعی شده تبصره ۴ ماده ۶ آئین نامه به هیچ وجه مخالف مقررات موضعه در تبصره او ۴ قانون ابطال نیست. به این توضیح که تبصره او ۴ قانون مقید به چند قید قانونی بشرح زیر است، اولاً موقوفه قابلیت اجاره داشته باشد. ثانیاً در قرارداد اجاره مصلحت وقف رعایت شود. ثالثاً حقوق مکتسبه اشخاص رعایت گردد. اینک باتوجه به تبصره ۴ ماده ۶ آیین نامه ملاحظه میشود که این تبصره با عنایت به قیود مذکور تنظیم و تصویب شده نه تنها از محدوده تبصره های او ۴ قانون ابطال تجاوز نشده، بلکه دقیقاً با مفهوم و منظور آنها مطابقت دارد، زیرا اولاً با واقع شدن اراضی مزروعی در محدوده خدمات شهری عملاً تغییر کاربری یافته و امکان و قابلیت اجاره دادن آنها برای کشاورزی وجود ندارد. ثانیاً مصلحت موقوفه که در قانون بر آن تأکید شده، ایجاب میکند از این اراضی بصورت بهتر استفاده شود. ثالثاً در ماده ۱ آئین نامه اجرایی قانون تحت عنوان تعاریف و اصطلاحات در بندهای ۲ و ۳ متصرفین که حسب مورد زارعان صاحب نسق یا قائم مقام آنها میباشد و همچنین مصادیق و انواع حقوق مکتسبه اشخاص تعریف و تبیین شده و در تبصره ۴ ماده ۶ آئین نامه نیز پیش بینی شده است که این حقوق تأمین و پرداخت می گردد. ۴- با تغییر کاربری زمین و واقع شدن آن در محدوده شهر و عدم امکان بهره برداری کشاورزی وضع و موقعیت جدیدی بوجود آمده که الزام موقوفه به ایجار این اراضی بصورت سابق غیر مقدور و با اصطلاح

تکلیف مالا یطاق است و بنابه قاعده الضرورات تبیح المحظورات و نظیر حکم قانونی ناچار بایستی زمین غیر مزروعی را باتوجه به مصلحت و وقف مورد بهره برداری قرار داده و به صاحب حق مکتسبه نیز حقوق وی را تأدیبه کرد. ۵- فرض شاکسی بر این است که در زمین مزروعی در آن واحد هم زارع صاحب نسق وجود داشته باشد و هم شخص دیگری بعنوان متصرف بکلی فرضیه مردود و غیر واقعی است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست آیتا. موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت بصدر رأی مینماید.

رای هیأت عمومی

حکم مقرر در تبصره های ماده واحده قانون ابطال اسناد و فروش رقبات آب و اراضی موقوفه علی الاطلاق مفید تثبیت حق اولویت متصرفین اموال غیر منقول موقوفه در انعقاد عقد اجاره با رعایت صرفه و صلاح وقف است. بنابراین تبصره ۴ ماده ۶ آئین نامه اجرایی قانون مذکور بلاحفاظ عدم ذکر حق اولویت مذکور، مفهوم نفی حق مکتسب قانونی مزبور در صورت تغییر کاربری ملک است. خلاف قانون تشخیص و با استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال میشود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سید ابوالفضل موسوی تبریزی

پی نوشت

- ۱- تاریخ: ۷۶/۶/۱۸ شماره دادنامه ۶۸ کلاس پرونده ۲۲/۷۴
- ۲- تاریخ: ۷۶/۸/۲۴ شماره دادنامه ۱۱۸ کلاس پرونده ۱۳۵/۷۶
- ۳- تاریخ: ۷۶/۴/۱۴ شماره دادنامه ۲۹ کلاس پرونده ۳/۷۶
- ۴- تاریخ: ۷۶/۵/۱۱ شماره دادنامه ۵۱ کلاس پرونده ۹۱/۷۵
- ۵- تاریخ: ۷۶/۷/۵ شماره دادنامه: ۸۶ کلاس پرونده ۶۰/۷۶
- ۶- تاریخ رسیدگی: ۷۶/۶/۲۹ شماره دادنامه ۸۵ کلاس پرونده ۷۵/۷۶
- ۷- تاریخ: ۷۶/۷/۱۲ شماره دادنامه: ۹۱ کلاس پرونده ۹۲/۷۶
- ۸- تاریخ رسیدگی: ۷۶/۸/۳ شماره دادنامه: ۱۰۰ کلاس پرونده ۲۵۴/۷۵